

محدوده شرعی تمکین عام زوجه

مهدی رهبر *

استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۱۰)

چکیده

موضوع اذن شوهر همواره یکی از موضوعات بحث برانگیز میان فقها بوده است. اصل لزوم استیذان زوجه برای خروج از منزل، با استناد به روایاتی که بیان خواهیم کرد از سوی فقها پذیرفته شده است. سؤال اساسی در این زمینه درباره محدوده استیذان است که آیا زوجه در هر خروجی به‌طور مطلق نیازمند اذن زوج است یا اینکه استیذان در موارد خاصی (مانند موردی که با حقوق زوج منافات داشته باشد) لازم است؟ سخنان بسیاری از فقهای متقدم و متأخر امامیه مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، ابوالصلاح حلبی، علامه حلی، امام خمینی و آیت الله سیستانی ظهور در وجوب مطلق اذن و فتاوی برخی از فقهای معاصر مانند آیت الله خویی، شیخ محمد مهدی شمس‌الدین، سید محمد حسین فضل الله، آیت الله محمد موسوی بجنوردی و آیت الله جناتی ناظر بر قول دوم است. گرچه برخی از آیات قرآن مثل آیه «الرجال قوامون على النساء» به نحو عموم و غیر مستقیم به اصل استیذان زوجه از زوج اشاره دارند، در مورد محدوده استیذان آیه‌ای نیافتیم، پس در این مقاله به بررسی روایات وارده از معصومان علیهم‌السلام در زمینه محدوده و قلمرو نیاز به اذن زوج در خروج زوجه از منزل پرداخته‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که در مواردی که اذن شارع برای خروج وجود ندارد، استیذان از زوج لازمست.

واژگان کلیدی

اذن، تمکین، خروج از منزل، زوج، زوجه، نشوز.

۱. طرح مسئله

لزوم اطاعت زن از شوهر فی‌الجمله مورد قبول همه فقهای مسلمان اعم از شیعه و سنی است. این لزوم ناشی از قوامیت مرد نسبت به زن (الرجال قوامون علی النساء) و مسؤولیتی است که از جانب خداوند برای مدیریت و حفاظت از خانواده و تدبیر امور مربوط به آن، بر عهده مرد قرار داده شده است.

البته ریاست شوهر فقط مربوط به امور خانواده و مصالح آنست، چرا که ریاست او ثمره ایجاد علقه زوجیت و نتیجه تشکیل خانواده است و به هیچ وجه نمی‌تواند وراى این رابطه را تحت گستره خود قرار دهد، زیرا اصل اولی، عدم سلطه و ولایت انسانی بر انسان دیگر است، مگر اینکه دلیل معتبری از جانب شرع مقدس بر این امر اقامه شود.

روایات متعددی نیز در زمینه لزوم اطاعت زن از شوهر وارد شده است. امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: حق زوج بر زوجه این است که از او اطاعت کند و از فرامین او سرکشی نکند (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۵۰۷)

از جمله لوازم اطاعت زوجه از زوج این است که با اذن زوج از منزل خارج شود و در این زمینه بر خلاف نظر زوج اقدام نکند.

اصل لزوم استیذان زوجه برای خروج از منزل، با استناد به روایاتی که بیان خواهیم کرد، از سوی فقها پذیرفته شده است و آنچه بحث و اختلاف نظر در آن وجود دارد و سؤال اصلی این تحقیق هم هست، این است که محدوده و قلمرو نیاز به اذن برای خروج از منزل چه مقدار است؟

پیش فرض ما در مسئله مذکور این است که در مواردی که اذن شارع برای خروج وجود ندارد، استیذان از زوج لازمست.

برای رسیدن به هدف مطلوب که همان دستیابی به محدوده نیاز به اذن برای خروج زوجه از منزل است، با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل یافته‌های مرتبط با موضوع که اغلب برگرفته از روایات هستند به بحث و بررسی پرداخته‌ایم.

ضرورت و اهمیت بررسی این موضوع به لحاظ تأثیراتی است که بر اعمال عبادی و غیرعبادی زوجه می‌گذارد، به نحوی که علاوه بر حرمت تکلیفی، آثار وضعی فراوانی از آن منتج می‌شود، آثاری که شاید بر خانواده و روابط بین زوجین تأثیرات مهمی داشته باشد. مهم‌ترین اثر وضعی خروج بدون اذن، ناشزه شدن زن و عدم تعلق نفقه به وی در مدت خروج از منزل است. اثر وضعی دیگر، اقدام‌هایی است که در آیه ۱۳۴ سوره نساء به دنبال نشوز برای شوهر مجاز دانسته شده است. برخی فقها هم حق وادار کردن زن به برگشت را از آثار این حق دانسته‌اند (حلبی، ۱۴۰۳: ۲۹۵).

۲. محدوده استیذان زوجه

در زمینه محدوده استیذان زوجه برای خروج از منزل، نظرهای مختلفی بیان شده است که به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱.۲. لزوم استیذان مطلق

بر مبنای این نظر، برای هر خروجی ولو کوتاه‌مدت و حتی خروجی که با حق زوج منافات ندارد، بر زوجه لازمست که از زوج اذن بگیرد.

۱.۱.۲. دلایل

روایات متعددی در این زمینه وارد شده‌اند که با استناد به آنها، لزوم استیذان مطلق بیان شده است. از جمله این روایات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱.۱.۱.۲. روایت اول: منع پیامبر از خروج همسر بدون اذن شوهرش

محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن خالد عن ابيه عن عبدالله بن القاسم الحضرمي عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله عليه السلام قال: إن رجلاً من الانصار على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله خرج في بعض حوائجه فعهدالى امرأته عهداً أن لا تخرج من بيتها حتى يقدم قال و إن أباه قد مرض فبعثت المرأة الى رسول الله تستأذنه أن تعود فقالت: لا إجلسى فى بيتك و أطيعى زوجك قال فتقل فأرسلت اليه تانياً بذلك فقالت إجلسى فى بيتك و أطيعى زوجك قال

فمات ابوها فبعثت اليه إن ابى قد مات فتأمرنى أن أصلى عليه فقال لا إجلسى فى بيتك و
أطيعى زوجك قال فدفن الرجل فبعث اليها رسول الله أن الله قد غفر لك ولأبيك بطاعتك
لزوجك (كلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۵۱۳)

مطابق این روایت پیامبر اکرم به درخواست مکرر زنی که شوهرش او را از خارج شدن
از منزل منع کرده بود و می‌خواست به عیادت پدر مریضش برود، پاسخ منفی دادند، تا
اینکه پدرش فوت کرد و حتی بر جنازه پدرش هم نتوانست حاضر شود.
این روایت ظاهر است در اینکه برای امور ضروری مانند عیادت مریض و تشییع جنازه
والدین نیز به اذن همسر نیاز است، پس خروج برای امور معمولی و غیرضروری به طریق
اولی به اذن نیاز دارد.

تحلیل و بررسی روایت

در مورد این روایت می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. روایت از نظر سند ضعیف است، چرا که عبدالله بن قاسم حضرمی به‌عنوان فردی
کذاب و اهل غلو معرفی شده است. نجاشی در توصیف او می‌گوید:
المعروف بالباطل، کذاب، غال، یروی عن الغلاة لا خیر فیہ و لا یعتد بروایتہ (نجاشی،
۱۴۱۶: ۲۲۶)؛

۲. احتمال دارد این روایت از مصادیق قضیه فی واقعه یا قضیه خارجییه باشد که در
این صورت از دستور پیامبر به یک شخص در یک جریان خاص، نمی‌توان حکمی کلی
برداشت کرد، زیرا محتمل است که زندگی آن فرد دارای شرایط ویژه‌ای بوده که این
دستور خاص را الزامی کرده است. البته در احکام شرعی، اصل بر عمومیت و اشتراک
احکام نسبت به همه مکلفان و الغای خصوصیت است، پس اختصاص احکام به موارد و
مخاطبان خاص، نیازمند قرینه و شاهد است که این قرینه شاید عقلی یا نقلی یا به‌صورت
شاهد حال باشد. جمله اخیر حضرت که با این کار خداوند تو و پدرت را آمرزید، شاید
مؤید خصوصیت ویژه این قضیه باشد؛

۳. این روایت مخصوص موردی است که نهی از خروج از طرف زوج تصریح شده باشد و به طور مطلق دال بر لزوم اذن نیست. مسلماً اگر زوج بر اساس عهد و پیمان یا اشتراط و امثال آن به همسرش اجازه خروج نداده باشد، بر زوجه لازمست به آن پایبند باشد و در محدوده عهد و پیمان و اشتراط، بدون اذن از منزل خارج نشود. شاید این برخورد پیامبر با زن نیز به دلیل عهد و پیمانی بوده که بین زن و همسرش بسته شده و رعایت آن لازم بوده است؛

۴. اگر تخصیص روایت به مورد اشتراط و عهد و پیمان را در نظر نگیریم، این روایت با آیه "عاشروهن بالمعروف" (نساء: ۹) منافات دارد، زیرا منع همسر از عیادت پدر و مادر و تشییع جنازه آنان، با معاشرت به معروف بین همسران (که به آن امر شده است) منافات دارد و نزد عقلا و عرف مردم، شایسته و پسندیده نیست و مخالف آداب و اخلاق نیک انسانی است؛

۲.۱.۱.۲. روایت دوم: اذن برای خروج، حق شوهر بر همسرش است

عن البرقی عن الجامورانی عن ابن ابی حمزة عن عمرو بن جبیر العزمی عن ابی عبد الله عليه السلام قال: جاءت امرأة رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالت: يا رسول الله ما حق الزوج على المرأة فقال: اكثر من ذلك قالت: فخيرني عن شيء منه فقال: ليس لها أن تصوم الا باذنه یعنی تطوعاً و لا تخرج من بيتها الا باذنه و عليها أن تطيب بأطيب طيبها و تلبس بأحسن ثيابها و تزین بأحسن زينتها و تعرض نفسها عليه غدوة و عشية و أكثر من ذلك حقوقه عليها (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۵۰۸).

امام صادق عليه السلام در این حدیث ضمن بر شمردن حقوق شوهر بر زن می فرمایند: زن بدون اذن شوهر نمی تواند روزه مستحبی بگیرد و از خانه خارج شود و بر اوست که بوی خوش استعمال کند و بهترین لباسها را بر تن کند. در این روایت نیز خروج زن به طور مطلق، منوط به اذن شوهر شده است.

تحلیل و بررسی روایت

در مورد این روایت می توان به دو نکته اشاره کرد:

۱. این روایت از روایات مرسله‌ای است که از ناحیه محمد بن احمد جامورانی تضعیف شده است. مرحوم خوئی به نقل از ابن غضائری در مورد جامورانی می‌گوید: ضَعْفَهُ الْقَمِيون و فی مذهبه ارتفاع (معجم رجال الحدیث خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱۶: ۵۶). این روایت از ناحیه عمرو بن جبیر عزر می‌که ناشناخته است و ابن ابی حمزه نیز دارای اشکال است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۵۰)؛

۲. ظهور روایت در نهی تحریمی از خروج بدون اذن، خدشه پذیر است، زیرا خروج بدون اذن در سیاق کارهایی غیر واجب مانند پوشیدن بهترین لباس برای شوهر قرار گرفته است و وقتی این امور بر استحباب حمل شوند، از باب وحدت سیاق، ظهور بقیه در وجوب متزلزل می‌شود.

۳.۱.۱.۲. روایت سوم: خروج بدون اذن، مورد لعن ملائک است

محمد بن علی بن الحسین باسناده عن شعيب بن واقد عن الحسين بن زيد عن الصادق عن آبائه عليه السلام عن النبي صلى الله عليه وآله في حديث المناهي قال: ونهى أن تخرج المرأة من بيتها بغير اذن زوجها فان خرجت لعنها كل ملك في السماء و كل شيء تمر عليه من الجن والانس حتى ترجع الى بيتها و نهى أن تتزين لغير زوجها فان فعلت كان حقاً على الله عز و جل أن يحرقها بالنار (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴: ۵).

طبق این حدیث پیامبر صلى الله عليه وآله از بیرون رفتن زن بدون اجازه شوهر منع کرده و اگر بدون اذن خارج شود، تا وقتی به خانه برمی‌گردد، مورد لعن و نفرین ملائک و جن و انس است. در این روایت نیز نیاز به اذن شوهر برای خروج، به‌طور مطلق بیان شده است.

تحلیل و بررسی روایت

در مورد این روایت چند نکته شایان ذکر است:

۱. سند روایت معتبر نیست. مرحوم خوئی در معجم رجال الحدیث (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱۰: ۳۷) در مورد شعیب بن واقد می‌گوید: لم يذكر في كتب الرجال فهو مجهول؛

۲. در دلالت حدیث نیز این اشکال وجود دارد که در عبارت «لعنها کل شیء تمرّ علیه من الجن و الانس» کلمه شیء به غیر عاقل اختصاص دارد و بر جن و انس اطلاق نمی شود و نمی توان تصور کرد که پیامبر که در عصر بلاغت و فصاحت زبان عربی می زیسته و خود فصیح بوده است، چنین سخن گفته باشد (جلالی، ۱۳۸۳: ۱۷۸)؛

۳. ذیل روایت مشعر بر این است که زینت زن دارای توالی فاسد و مقدمه عمل نامشروع است و لذا از آن نهی شده و این قرینه است بر اینکه درموردخروج نیز از باب وحدت سیاق، هر خروجی مراد نیست، بلکه خروجی که در آن احتمال فساد و فتنه و مقدمه روابط نامشروع باشد، مورد نظر است؛

۴. لعن به این شدت از باب تناسب حکم و موضوع هر خروجی ولو خروج کوتاه مدت (مثلاً برای بدرقه مسافر) را شامل نمی شود.

۴.۱.۱.۲. روایت چهارم: اذن بر خروج، حق شوهر است و تخطی از آن، لعن ملائک را به دنبال دارد

عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد عن ابن محبوب عن مالك بن عطية عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام قال: جاءت امرأة الى النبي صلى الله عليه وسلم فقالت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم ما حق الزوج على المرأة، فقال لها ان تطيعه و لاتعصيه و لاتصدق من بيته الا باذنه و لاتصوم تطوعاً الا باذنه و لاتمنعه نفسها و ان كانت على ظهر قتب و لاتخرج من بيته الا باذنه و ان خرجت من بيته بغير اذنه لعنتها ملائكة السماء و ملائكة الارض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتى ترجع الى بيته (كليني، ۱۳۶۷، ج ۵: ۵۰۶).

در این روایت پیامبر صلى الله عليه وسلم در پاسخ به زنی که پرسیده بود حقوق شوهر بر زنش چیست، پنج امر و از جمله عدم خروج از منزلش بدون اذن شوهر را برشمرده اند. از آنجا که کلام آن حضرت اطلاق دارد، پس لزوم استیذان به نحو مطلق از روایت برداشت می شود.

این روایت از روایات معتبره است و از آن به صحیحه تعبیر شده است (صدوق، ۱۴۰۴،

ج ۳: ۴۳۸).

تحلیل و بررسی روایت

در مورد مدلول این روایت می‌توان گفت:

۱. حقوق ذکرشده در این روایت، با وجود قرائنی حمل بر حقوق واجب می‌شوند، زیرا: اولاً اهل لغت، حق را به معنای امر واجب و ثابت دانسته و شواهدی از قرآن هم برای آن اقامه کرده‌اند. خلیل در العین گفته است: حق الشيء یحق حقاً ای وجب وجوباً (خلیل، ۱۴۰۹، ج ۳: ۶).

در لسان‌العرب هم آمده است: حق الأمر یحق و یحق حقاً و حقوقاً: صار حقاً و ثبت (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۰: ۴۹):

ثانیاً جملات خبری در این روایت در مقام انشا بیان شده‌اند و با توجه به اینکه در آنها از نفی و الاستفاده شده است، دلالتشان بر لزوم از جمله انشایی کمتر نیست؛ ثالثاً لعنت ملائکه عذاب و رحمت که ذیل روایت آمده است، حرمت خروج بدون اذن را تأیید می‌کند.

البته واژه حق شامل حقوق مستحب نیز می‌شود زیرا در روایات متعددی واژه حق در مورد حقوق غیرواجب به کار رفته مثل «حق العالم أن لا تکثر علیه السؤال» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۲۱۴) و مانند روایاتی که کارهای غیرواجب مثل زیارت قبر و نگفتن اف را حق مسلم و حق مؤمن دانسته است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۱۷۱) لکن در این روایت قرائنی وجود دارد که مؤید اراده حقوق واجب است.

۵.۱.۱.۲. روایت پنجم: عدم جواز خروج بدون اذن شوهر

علی بن جعفر فی کتابه عن اخیه قال سألته عن المرأة هل لها أن تخرج من بیت زوجها بغير اذنه؟ قال: لا (حمیری، ۱۴۱۲: ۲۲۶).

علی بن جعفر در کتاب خود از برادرش می‌نویسد از او (امام کاظم علیه السلام) درباره زنی پرسیدم که آیا بدون اذن شوهرش می‌تواند از خانه‌اش خارج شود؟ فرمود: نه.

اطلاق روایت شامل هر خروجی می‌شود، پس تقیید خروج به خروج طولانی مدت و به‌صورت ترک منزل بدون نیت بازگشت، موجه نیست.

۶.۱.۱.۲. روایت ششم: خروج بدون اذن موجب عدم استحقاق نفقه می‌شود

علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلی عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله:
 أيما امرأة خرجت من بيتها بغير اذن زوجها فلا نفقة لها حتى ترجع (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۵۱۴).
 طبق بیان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به زنی که بدون اجازه شوهر از منزلش خارج شود نفقه پرداخت نمی‌شود تا اینکه به منزلش برگردد.

تحلیل و بررسی روایت

در مورد این روایت می‌توان گفت:

۱. گرچه ظاهر روایت فقط حاوی حکم وضعی سقوط نفقه از عهده شوهر در صورت خروج بدون اذن همسر بوده و از خروج بدون اذن نهی نکرده است، اما می‌توان گفت از جمله دلایل سقوط نفقه، تضييع حق واجب زوج است، چرا که زن در حال خروج از منزل به‌طور کامل نمی‌تواند به شئون زوجیت قیام کند و تضييع حق واجب هم حرام است؛
۲. روایت از نظر سند ضعیف است و نوفلی و سکونی را از امامیه به‌شمار نیاورده‌اند، ولی از آنجا که مشهور فقهای متقدم و معاصر به آن عمل کرده‌اند، جابر ضعف آنست (علامه حلی، ۱۳۸۱: ۲۲)؛
۳. ظاهر روایت به قرینه تناسب حکم و موضوع، دال بر نهی از خروج بلند مدت و اعراض گونه است، زیرا برای خروج کوتاه مدت عادتاً مقدار نفقه محاسبه نمی‌شود و این خروج، مصداق نشوز نیست و برای مدت کوتاه نه زن از مرد مطالبه نفقه استفاده نشده می‌کند و نه مرد از زن می‌خواهد مبلغی را که برای چند ساعت پیشاپیش به‌عنوان نفقه پرداخت کرده است، بازگرداند. مرحوم خوئی نیز همین معنا را از این روایت و سایر روایات باب استظهار کرده است (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۸۹).

۷.۱.۱.۲. روایت هفتم: عذاب اخروی برای خروج بدون اذن شوهر

فی عیون اخبار عن علی بن عبدالله الوراق عن محمد بن ابی عبدالله عن سهل بن زیاد عن عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی عن محمد بن علی الرضا عن آبائه عن علی (علیه السلام) قال: دخلت انا و فاطمة علی رسول الله (صلی الله علیه و آله) فوجدته يبکی بکاء شديداً فقلت له فداک ابی یارسول الله ما الذی أبکاک فقال یا علی لیلة أسری بی الی السماء رأیت نساء من امتی فی عذاب شدید فأنکرت شأنهن فبکیت لما رأیت من شدة عذابهن ثم ذکر حالهن..... و اما المعلقة برجلها فانها كانت تخرج من بیتها بغير اذن زوجها (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۴).

پیامبر در شب معراج زنانی را دید که به پایشان آویخته شده بودند و فرمودند اینها زنانی هستند که بدون اذن شوهرشان از خانه خارج می شدند.

سند این روایت قابل تأمل است، علی بن عبدالله در سخن هیچ یک از اهل رجال توثیق نشده و تنها شیخ صدوق از او روایات اندکی نقل کرده و در باب دهم از کتاب عیون اخبار الرضا گفته است: رضی الله عنه که برخی همین جمله را دلیل بر نیکویی این راوی می دانند (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۲: ۹۱).

۸.۱.۱.۲. روایت هشتم: خروج بدون اذن و لعن خدا و ملائک

محمد بن علی بن الحسین باسناده عن حماد بن عمرو و انس بن محمد عن ابیه عن جعفر بن محمد عن آبائه فی وصیة النبی (صلی الله علیه و آله) لعلی (علیه السلام) قال: یا علی لیس علی النساء جمعة و جماعة..... و لا تخرج من بیت زوجها الا باذنه فان خرجت بغير اذنه، لعنها الله عزّ و جلّ و جبرئیل و میکائیل (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۶۴).

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در وصیتشان به حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: اگر زن بدون اذن شوهرش از منزل خارج شود، مورد لعنت خدا و جبرئیل و میکائیل واقع می شود.

این روایت نیز مطلق خروج را بیان می کند و لعنت الهی مؤید حرمت خروج بدون اذن

است.

۲.۱.۲. نتیجه حاصل از روایات هشتگانه

گرچه تعدادی از روایات فوق از نظر سندی و دلالتی، مخدوش و ضعیف هستند، اطلاق برخی از آنها مانند صحیحۀ محمدبن مسلم (روایت چهارم) و روایت قرب الاسناد (روایت پنجم) و روایت هشتم، ضرورت استیذان مطلق برای زوجه را بیان می‌کنند.

توجه به این نکته که تحصیل رضایت شوهر در خروج از منزل بر اساس مدیریت شوهر و در قبال پرداخت هزینه همسر و تحکیم نظام خانواده و حفظ حقوق حقۀ مردان و فرزندان است و ثمرات این مدیریت در برتری نظام خانوادگی افراد متدین بر سایر خانواده‌ها مشاهده می‌شود، ما را به این نتیجه می‌رساند که زن در خروج از منزل به‌طور مطلق نیازمند اذن شوهر است؛

۳.۱.۲. استیذان مطلق و عناوین ثانویه

شایان ذکر است که لزوم استیذان مطلق که از روایات به دست می‌آید، به حکم اولی است و آنچه فقها بر آن تأکید می‌کنند، لزوم استیذان به عنوان اولی است. واضح است که این حکم اولی، مانند سایر احکام اولی شاید تحت عناوین ثانویه تغییر یابد. عناوینی مانند:

۱. ضرورت: با توجه به آیه ۱۷۳ سوره بقره (فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا اثم علیه) و

حدیث رفع (رفع عن امتی تسعه..... ما اضطروا الیه) (شیخ صدوق، ۱۴۱۴: ۱۷) و سخن امام صادق علیه السلام که فرمودند: ما حرم الله شیئاً الا و قد أحله لمن اضطر الیه (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۲۱۰) خروج از منزل برای امور ضروری مانند تهیه وسایل مورد نیاز و حاجت، مراجعه به طیب، تظلم و دادخواهی و... به اذن شوهر نیاز ندارد.

۲. فعل واجبات: واجب عملی است که شارع، راضی به ترک آن نیست. اطلاق ادله

واجبات و عدم تقیید به اذن شوهر، مستلزم جواز انجام دادن این امور حتی بدون اذن شوهر است، پس در صورتی که فعل واجب نیاز به خروج از منزل داشته باشد، چنین خروجی بدون اذن شوهر نیز جایز است. امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید: جایز نیست که زن بدون اذن شوهرش حج مستحبی به جا آورد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸: ۵۵). این روایت از

باب مفهوم وصف ظهور دارد در اینکه حج واجب به اذن شوهر نیاز ندارد. واجبات دیگر نیز از باب وحدت ملاک به حج واجب ملحق می‌شوند، واجباتی مثل ادای دیون و امانات، تحصیل علم واجب مانند عقاید، احکام شرعی مورد نیاز و نیز اگر دور ماندن از مجالس دینی سبب فراموشی و بی‌اعتنایی به دین شود، از این قبیل هستند؛

۳. عسر و حرج: با استناد به آیه ۷۸ سوره حج (ما جعل علیکم فی الدین من حرج) و آیه ۱۸۵ سوره بقره (یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر) در مواردی که استیذان، موجبات عسر و حرج و سختی و مشقت برای زوجه فراهم کند، لزوم شرعی ندارد؛
 ۴. ضرر و اذیت: بر اساس قاعده لاضرر که از قواعد بسیار مهم فقهی است، اگر استیذان موجب ضرر و اذیتی شود که عرفاً برای زوجه تحمل ناپذیر باشد، لازم‌الرعايه نیست.

در آیات قرآن در مورد زنان مطلقه که در حال عده هستند و باید در خانه شوهر بمانند می‌خوانیم: و لاتضاروهن لتضیقوا علیهن (طلاق: ۶).

وقتی قرآن درباره زنان مطلقه چنین دستور می‌دهد، به طریق اولی در مورد همسران نباید مضیقه و فشار وجود داشته باشد؛

۵. شروط ضمن عقد نکاح: با استناد به روایات مذکور، به دست می‌آید که استیذان زوجه از شوهرش، تکلیفی شرعی است که از طرف شارع بر عهده زن نهاده شده و اذن خروج (حق الاذن) نیز به عنوان یکی از حقوق شوهر تلقی شده است. طبق این تکلیف، بر زن لازمست برای خروج از منزل، از شوهرش اذن بگیرد و شوهر نیز این حق را دارد که با خروج همسرش موافقت یا مخالفت کند.

طبق آنچه نزد اکثر علما به اثبات رسیده است، هر جا حقی هست، مؤلفه دیگری نیز می‌توان یافت و آن فرد دیگری است که حق علیه اوست و برای او تکلیفی ایجاد می‌کند، مثل حق شوهر بر زن و حق زن بر شوهر، به عبارت دیگر در مقابل هر حقی، تکلیفی وجود دارد و حق و تکلیف رابطه تلازمی دارند و از هم جدا نمی‌شوند، البته این سخن وقتی صحیح و موجه است که اولاً تکالیف سلبی مانند عدم ایجاد مانع نسبت

به استیفای حق دیگری را نیز تکلیف بدانیم؛ ثانیاً حق مورد نظر از حقوق متقابل باشد، چرا که مواردی وجود دارد که حق هست، اما کسی تکلیفی ندارد مثل حق ابراء ذمه فرد بدهکار.

ویژگی بارز حقوق آنست که صاحب حق به مقتضای تسلطی که بر حقوق خود دارد، می‌تواند با اراده خود از حق خود بگذرد یا آن را به دیگری انتقال دهد یا حق خود را تحدید کند، پس شوهر می‌تواند بر اساس شروط ضمن عقد نکاح، حق الاذن را تحدید کند که به تبع آن، تکلیف زن نیز در رعایت حق شوهر تحدید شده است و لازم نیست در جمیع موارد از شوهرش اذن خروج طلب کند، بنابراین اگر زوجین به‌عنوان شرط ضمن عقد نکاح اموری را شرط کنند که لازمه انجام دادن آنها خروج زن از منزل باشد، مانند شرط ادامه تحصیل یا اشتغال، به مقتضای اصل مسلم پایبندی به شروط (المومنون عند شروطهم) استیذان برای خروج از منزل در این موارد لازم نیست، زیرا زوج با قبول شرط، حق خود را تحدید کرده و در ضمن خروج از منزل بدون اذن را در موارد مشروط پذیرفته است.

چنین شرطی جایز است و از شروط مخالف شرع و تکلیف شرعی نیست، چرا که در جانب شوهر آنچه وجود دارد، حق است نه تکلیف و شارع خود اجازه داده که صاحب حق در بسیاری موارد از جمله این مورد، حق خود را اسقاط یا تحدید کند و از آنجا که تکلیف زن دائر مدار حق شوهر در اذن خروج است، پس با تحدید حق شوهر، تکلیف زن نیز به همان مقدار تحدید می‌شود.

شایان ذکر است حقی که طبق روایات برای شوهر بیان شده، حق الاذن است که این حق در روایات به‌طور مطلق برای هر خروجی بیان شده و تکلیف زن تابع چنین حقی است و تقیید این حق به خروجی که با حق استمتاع زوج منافات دارد، موجه نیست. شرح بیشتر قول اخیر ذیل قول دوم بیان خواهد شد.

نتیجه آنکه قول به لزوم استیذان مطلق با شرط ضمن عقد نکاح تقییدپذیر است و این شرط از جمله شروطی است که منع شرعی ندارد و شارع در مواردی که در شرط بیان شده

به اذن قانونی و شرعی به زوجه اذن داده است که بدون استیذان از زوج، از منزل خارج شود، پس ادله استیذان مطلق را می‌توان به مواردی مقید کرد که خروج، منافی با اذن شارع باشد.

لزوم استیذان مطلق زوجه که مستظهر به روایات معتبر است در قبال سایر اقوال، قول اصح و اقوی است. در صورتی که عناوین ثانویه را در کنار آن لحاظ کنیم و لزوم استیذان را به حکم اولی بدانیم، در موارد معدودی که لزوم استیذان تحت عناوین ثانویه قرار نمی‌گیرد، به مقتضای مدیریت مرد بر خانواده که از جانب شارع به مرد واگذار شده و لزوم اطاعت زوجه از زوج که از روایات مستفاد است، بر زوجه لازمست با اذن زوج از منزل خارج شود؛

۲.۲. لزوم استیذان محدود و مقید

زن در موارد خاصی برای خروج از منزل نیازمند اذن شوهر است و اطلاق روایات ذکر شده با ادله مختلف (علاوه بر عناوین ثانویه) تقیید می‌خورد. در مورد اینکه روایات مطلق با چه قیودی مقید شده‌اند، نظرهای زیر بیان شده است:

۱.۲.۲. لزوم استیذان در خروج منافی حق استمتاع شوهر

برخی از فقهای شیعه، استیذان برای خروج از منزل را فقط به صورتی که خروج زن موجب نادیده گرفته شدن حق استمتاع (لذت جنسی بردن از همسر) زوج شود، محدود کرده‌اند. درحقیقت از دید این گروه، حق شوهر نسبت به زن، فقط به حق استمتاع منحصر می‌شود و حتی عدم خروج از منزل خود حق مستقلی به حساب نمی‌آید.

آیت‌الله خویی (موسوعه الخویی، بی تا، ج ۲۰: ۱۰۰)، شیخ محمد مهدی شمس‌الدین (مسائل حرجه فی فقه المرأه، بی تا، ج ۳: ۹۳)، سید محمد حسین فضل‌الله (تأملات اسلامیة حول المرأه، ۱۴۲۱: ۱۱۲) از علمای برجسته لبنان، آیت‌الله محمد موسوی بجنوردی، آیت‌الله جناتی (رساله توضیح المسائل، بی تا، ج ۱: ۵۱۳) از قائلان به این قولند.

شهید ثانی و صاحب جواهر در این زمینه می‌گویند:

حق استمتاع بر زن واجب است، این حق اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد پس زن نمی‌تواند کاری بر خلاف این حق شوهر انجام دهد، مگر اینکه از او اذن گرفته باشد. یکی از کارهایی که با این حق شوهر منافات دارد، خروج از منزل است که باید حق شوهر را که واجب است بر اعمالی مثل عیادت و تشییع جنازه که مستحبند، مقدم بدارد (شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۸: ۳۳۷؛ نجفی، ۱۳۶۳، ج ۳۱: ۱۸۳).

۱.۱.۲.۲. دلایل

قائلان به این قول چنین استدلال کرده‌اند:

الف) جمع بین روایات

از کنار هم گذاشتن روایات حق استمتاع و روایات منع خروج از منزل استظهار می‌شود که ملاک و مناط استیذان، منافات با حق استمتاع است و روایات اطلاقی ندارند.

ب) ظهور برخی روایات

در روایت چهارم که نقل شد، مراد از خروج، خروج مخالف حق استمتاع شوهر است، چرا که قبل از آن عبارت «لاتمنعه نفسها» آمده است.

۲.۱.۲.۲. بررسی ادله

در جواب این دو دلیل می‌گوییم:

الف) حق استمتاع، ملاک یقینی برای لزوم استیذان نیست

یقین نداریم که ملاک این حکم، حفظ حقوق جنسی و رعایت حق استمتاع شوهر بوده است، بلکه احتمال دارد مصالح دیگری مانند جلب اعتماد و اطمینان شوهر به مصونیت جنسی همسرش، در تشریح این حکم دخیل بوده‌اند. لذا با وجود چنین احتمالی نمی‌توان اطلاق روایات استیذان را فقط به حق استمتاع مقید کرد و خروج از منزلی را که با این حق منافات نداشته باشد، بدون اذن جایز دانست (بستان، ۱۳۸۸: ۲۵۴).

ب) حق استمتاع، ملاک اهم است نه علت تامه

محتمل است که تأکید بر رعایت حق استمتاع شوهر در روایات، از باب مصداق اهم باشد، به این معنا که رعایت چنین حقی نزد شارع بسیار مهم تلقی شده است، به حدی که شاید مانع خروج زن از منزل شود. واضح است که ذکر مصداق اهم، نافی دیگر مصادیق نیست. این احتمال نیز مانع انحصار استیذان به خروج منافی با حق استمتاع است.

ج) عدم ظهور برخی روایات در مورد ملاک بودن حق استمتاع

از روایت چهارم با توجه به احتمالات مذکور نمی‌توان استظهار کرد که لزوم استیذان به خروجی منحصر است که با حق استمتاع منافات داشته باشد پس این نظریه اطلاق روایات وارده به‌ویژه اطلاق صحیحۀ محمدبن مسلم و روایت قرب‌الاسناد را مخدوش نمی‌کند و موجب تقیید روایات به مورد منافات خروج با حق استمتاع نمی‌شود.

۲.۲.۲. لزوم استیذان در خروج، منافی مصلحت زن

طبق نظریه مصلحت که نه حق شوهر برای منع خروج زن از منزل را منکر شده و نه آن را به‌طور مطلق پذیرفته است، شوهر بر اساس مصالح زن و خانواده می‌تواند از موافقت با خروج زن خودداری کند، ولی شوهر حق ندارد به علت مصالح و منافع شخصی خود یا به دلیل خواسته‌ای که بر مصالح زن و خانواده منطبق نیست، مانع خروج زن شود. تنها خواسته شخصی شوهر که می‌تواند زن را از خروج بازدارد حق استمتاع است (مطهری، ۱۳۶۱: ۸۸).

شوهر می‌تواند در راستای حفظ مصالح خانواده و دفع آثار منفی خروج زن از زندگی و کانون خانواده (ولو اینکه خروج برای خود زن مفسده‌ای نداشته باشد) مانع خروج وی از منزل شود، زیرا حفظ مصالح خانواده درحقیقت تأمین‌کننده مصالح زن هم هست.

بر مبنای این نظر، روایات استیذان برای خروج زن از منزل، مقید به موردی است که خروج، منشأ فتنه و فساد باشد، یعنی محیط فاسد است و با خروج زن از منزل، بیم فساد و فتنه می‌رود، به‌ویژه در زمان صدر اسلام که زنان به زمان جاهلیت نزدیک و جدیدالاسلام

بودند و بعضی از رسوم جاهلیت، در میان آنها رواج داشت که با مصالح زنان و خانواده آنها منافات داشت و شارع برای رعایت مصلحت آنها در روایات چنین فرموده‌اند. بی‌تردید اگر در خروج زن از منزل بیم فساد نباشد، استیذان لازم نیست.

این عقیده ادعای بدون دلیلی است و اطلاق روایات آن را رد می‌کند، حتی اگر چنین وضعیتی میان زنان صدر اسلام بوده است، نمی‌توان روایات مطلق را به آن مورد مقید کرد، چرا که مورد نمی‌تواند مخصص و مقید باشد.

دیگر اینکه در زمان حاضر نیز مفاسدی از نوع دیگر برای خروج زنان از منزل وجود دارد که اگر ملاک رامصالح و مفاسد بدانیم، این ملاک در زمان ما نیز همچنان وجود دارد، گرچه ممکن است ظاهر آن تغییر کرده باشد.

۱.۲.۲.۲. دلایل

صاحبان نظریه مصلحت، روایتی که به‌طور خاص مصلحت را اثبات کند و اطلاق روایت محمد بن مسلم و قرب‌الاسناد را تقیید بزنند، بیان نکرده‌اند. فقط با استناد به ادله عامی در صدد اثبات موضوع برآمده‌اند. این ادله عبارتند از:

دلیل اول: استیذان مطلق موجب مهجوریت زن می‌شود

اطلاق روایات استیذان به معنای مهجور دانستن زن از تصرف در شئون شخصی خود است، چرا که بر این اساس زن لازمست برای هر یک از کارهایی که می‌خواهد خارج از منزل انجام دهد، از شوهرش اذن بگیرد و در صورت صلاحدید شوهر به آن کار اقدام کند و این به معنای عدم صلاحیت زن برای تصرف مستقل در امور مربوط به خودش است.

دلیل دوم: استیذان مطلق موجب بی‌تدبیری زن می‌شود

لازمه اطلاق مذکور این است که زن از تشخیص مصالح خود و تدبیر امور خود به‌عنوان یک انسان صاحب عقل ناتوان است و چنین نظری بر خلاف مسلمات فقه است، چرا که مثلاً زن حق دارد با اموالش بر اساس مصلحت خود به تجارت بپردازد، تجارتي که اغلب با خروج از منزل ملازمه دارد.

علاوه بر این، آیاتی که بر مسئولیت کامل و همسان زن در مقابل اعمال خود دلالت دارد، روشن می‌کند که زن هم مثل مرد از قدرت تشخیص کافی برای انتخاب درست برخوردار است و به همین دلیل، در مقابل رفتار خود مسئول است.

۲.۲.۲.۲. بررسی ادله

در جواب این دو دلیل می‌گوییم:

الف) لحاظ عناوین ثانویه و انتفاء استیذان در موارد متعدد

اطلاق روایات با تصرفات زن منافات ندارد، زیرا تصرفاتی که در محدوده منزل انجام می‌شود و کارهای واجب و ضروری (و سایر عناوین ثانوی که قبلاً بیان شد) که باید خارج از منزل انجام شود، از دایره استیذان خارجند، پس لزوم استیذان در مورد کارهای مختصری که تحت این عناوین قرار نمی‌گیرند، موجب مهجور شدن زن از تصرف در شئون شخصی خود نمی‌شود.

ب) تقیید استیذان به مصلحت نیز موجب مهجوریت زن می‌شود

قائلان به مصلحت، خود معترفند که زن در مواردی که خروجش از نظر شوهر مخالف مصالح وی و خانواده‌اش است، باید از شوهر اذن بگیرد. این سخن موجب مهجور دانستن زن از تشخیص مصالح است و همان اشکالی که به اطلاق روایات وارد شده است، به نظر خودشان وارد می‌شود.

ج) دلیل سوم: با استناد به تعدادی از آیات می‌توان قید مصلحت را ثابت کرد.

آیه اول: معاشرت به معروف با زنان

عاشروهن بالمعروف (نساء: ۹).

مطابق این آیه، معاشرت به معروف با زنان، بر مردان واجب است. معروف هر عملی است که در نظر عقلا شایسته و شناخته شده باشد و شرع هم آن را تأیید کند و شامل همه آداب و اخلاق نیک انسانی می‌شود (طباطبایی، بی تا، ج ۴: ۲۵۵).

استیذان مطلق برای خروج از منزل، برخلاف معاشرت به معروف است و موجب اذیت و سختی زن می‌شود، مگر در مواردی که به مصلحت زن باشد. پس اطلاق ادله با قید مصلحت مقید می‌شود؛

آیه دوم: زنان نیز حقوقی دارند.

لهن مثل الذی علیهن بالمعروف (بقره: ۲۲۸).

بر اساس این آیه زنان همان‌گونه که تکالیفی بر عهده دارند، حقوقی نیز دارند و این حقوق باید با معروف مطابق باشد. این آیه هم مانند آیه قبل هرگونه رفتار با زنان را به معروف بودن، مقید می‌کند و استیذان مطلق با معروف بودن منافات دارد. بر اساس این آیه، خروج بدون اذن زن در صورتی حرام است که مخالفت شوهر با آن، برخلاف معاشرت به معروف نباشد.

آیه سوم: قوامیت مرد بر زن

الرجال قوامون علی النساء (نساء: ۳۴)

مطابق این آیه، خداوند مردان را مسئول تأمین منافع و مصالح زنان قرار داده است و شوهر باید مراقب حفظ مصالح مادی و معنوی زن باشد و حق ندارد بر اساس تمایلات نفسانی یا با هدف اذیت و آزار زن یا به دلیل مصالح شخصی خود، مانع خروج زن یا هر عمل دیگر زن شود.

بررسی دلیل سوم

در جواب دلیل سوم می‌گوییم:

الف) ظهور ضعیف آیات برای اثبات مصلحت

ظهور این آیات در بیان مصلحت به حدی نیست که مانع ظهور یا تصریح روایات اذن مطلق شود.

ب) استیذان در غیر موارد عناوین ثانویه، با معاشرت به معروف منافات ندارد

لزوم استیذان در خروج‌هایی که تحت عناوین ثانوی قرار نمی‌گیرند، به دلیل معدود و محدود بودن آنها، با معاشرت به معروف منافات ندارد، بلکه به نوعی به مصلحت زن هم هست.

ج) استیذان در برخی موارد، موجب عسر و حرج نیست

مردان در بسیاری از خروج‌های معمولی و روزمره، اذن عام می‌دهند، پس استیذان در بعضی موارد خاص مستلزم عسر و حرج نیست؛

د) استیذانی که موجب ضرر است، منتفی است

استیذان در مواردی که موجب اذیت و آزار و ضرری شود که عرفاً برای زن تحمل‌پذیر نباشد، به حکم ثانوی مرفوع است.

نتیجه‌گیری

لزوم استیذان زوج برای خروج از منزل، با استناد به روایات معتبر مورد پذیرش فقها قرار گرفته است.

آنچه با اختلاف نظر روبه‌رو شده، محدوده استیذان است که در چه مواردی زوجه برای خروج به اذن زوج نیاز دارد؟

برخی قائل به استیذان مطلقند و برخی به مقید.

روایات متعددی استیذان مطلق را ثابت می‌کنند و این یعنی به حکم اولی، زوجه در هر خروجی به اذن زوج نیاز دارد. این حکم اولی تحت تأثیر عناوین ثانوی از قبیل اضطرار، ضرر، اشتراط و... متغیر می‌شود و در این موارد به اذن شارع، خروج از منزل به اذن نیاز ندارد. لزوم استیذان در خروج منافی حق استمتاع شوهر و خروج منافی مصلحت زن، از دیگر اقوال در موضوع بحث هستند که با بررسی ادله این اقوال، ضعف و ناتمام بودن آنها به اثبات رسید.

آنچه در موضوع مورد بحث دفاع‌پذیر است، اینکه به حکم اولی و با استناد به روایات معتبر، زوجه در خروج از منزل به اذن شوهر نیاز دارد، مگر اینکه استیذان مستلزم یکی از عناوین ثانویه شود که در آن صورت لزوم استیذان مرتفع می‌شود.

لحاظ عناوین ثانویه و اینکه غالب مردان به اذن فحوا، به خروج‌های معمولی و متداول روزانه راضی هستند، این مطلب راثبت می‌کند که حتی با پذیرش لزوم استیذان مطلق، در بسیاری از خروج‌ها نیاز به استیذان وجود ندارد.

منابع

۱. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمدبن علی (۱۴۰۴ق). من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه المدرسین.
۲. _____ (۱۴۱۴ق) الخصال، قم، جامعه المدرسین.
۳. _____ (۱۴۰۴ق). عیون اخبار الرضا علیه السلام، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۴. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب، بی جا، داراحیاء التراث العربی.
۵. بستان، حسین (۱۳۸۸ش). اسلام و تفاوت های جنسیتی در نهادهای اجتماعی، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۶. الجبعی العاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۶ق). مسالک الافهام، بی جا، مؤسسه پاسدار اسلام.
۷. جلالی، سهیلا (۱۳۸۳ش). زن مسلمان، پرده نشینی یا حضور اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء.
۸. جناتی، محمد ابراهیم (بی تا). رساله توضیح المسائل، قم، انتشارات انصاریان.
۹. الحر العاملی، محمدبن الحسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۰. حلبی، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۰۳ق). الکافی فی الفقه، بی جا، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۱. الحلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلّی) (۱۳۸۱ق). خلاصه الاقوال، نجف، مطبعه حیدریه.
۱۲. الحمیری، ابوالعباس عبدالله (۱۴۱۲ق). قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۳. الخویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث، بی جا، نشرالثقافه الاسلامیه.
۱۴. _____ (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم.

۱۵. شمس‌الدین، محمد مهدی (بی‌تا). *مسائل حرجه فی فقه المرأه*، بیروت، مؤسسه الدولیه للدراسات و النشر.
۱۶. طباطبائی، محمد حسین (بی‌تا). *المیزان*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۷. الفراهیدی، ابو عبدالرحمن الخلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *العین*، بی‌جا، مؤسسه دارالهجره.
۱۸. فضل‌الله، سید محمد (۱۴۲۱ق). *تأملات اسلامیه حول المرأه*، بیروت، دارالملاک.
۱۹. الكلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷ش). *الكافی*، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱ش). *مسئله حجاب*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۱. النجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق). *رجال نجاشی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۲. النجفی، محمد حسن (۱۳۶۳ش). *جواهر الکلام*، تهران، المكتبه الاسلامیه.
۲۳. النوری، حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام.